

سرمایه‌گذاری الکترونیکی در بورس اوراق بهادار مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان

امیر لایزال^۱، عباس کریمی^۲، ابراهیم تقی‌زاده^۳، ابراهیم تقی‌زاده^۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

چکیده

در این پژوهش، ماهیت حقوقی معامله‌های الکترونیکی بورس در حقوق ایران و انگلستان بررسی شده است. معاملات بورس با وجود خاص بودن، شرایط صحت معاملات را داشته و در شمول قواعد عمومی قراردادها جای دارند. کامن‌لای انگلستان، برخط بودن فرایند بورس را به رسمیت شناخته است و از این نظر با حقوق کشورمان مشابهت دارد. قانون مبارزه با گروگان‌گیری تولید، مهم‌ترین تفاوت حقوق بورس ایران و انگلستان است. نظارت دولت انگلستان بر فعالیت‌های بورسی، بازدهی پایینی داشته و بررسی‌های هدفمند مانند کشور ما، توصیه می‌شود. ممتاز بودن برخی سهام در بورس انگلستان با قواعد عدالت در حقوق کشور ما سازگاری ندارد. خلأ حقوقی کشورمان در مورد سبده‌گردانان و کارگزاری‌های نماینده احساس شده است و با توجه به اینکه در نظام حقوقی انگلستان، تصویب قانون در این زمینه، نتیجه مطلوبی داده است، در کشور ما نیز وضع قانون مشابه، توصیه می‌شود. نیاز است که در تصویب قانونی جدید، صراحت قانون‌گذار کشورمان در ابهام قانونی برخی مواد قانون بورس و در نهایت مبارزه با فساد انحصاری در بورس، اجرایی شود.

واژگان کلیدی: بورس، اوراق بهادار، سرمایه‌گذاری الکترونیکی اوراق بهادار، قواعد و مقررات معامله‌های الکترونیکی اوراق بهادار، بازار بورس ایران و انگلیس.

^۱ دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

abkarimi@ut.ac.ir

^۲ استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران، ایران

^۴ دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۱. مقدمه

کسب‌وکارها، در تقسیم‌بندی کلی به دو نوع سرمایه‌ای و خدماتی تقسیم‌بندی می‌شوند. مشاغل خدماتی همچون آرایشگری، به سرمایه نیاز ندارند یا سرمایه مورد نیازشان اندک است. این دسته از مشاغل تنها با توانایی افراد به نتیجه مطلوب رسیده و به علت نداشتن ریسک‌هایی مالی، مورد توجه بسیاری از افراد قرار دارند. دسته دیگر از مشاغل، برای کسب‌وکار به سرمایه نیاز دارند و متناسب با آن به سود می‌رسند. در این کسب‌وکارها ریسک وجود دارد و ممکن است به علل مختلف، نه تنها سودی حاصل نشود بلکه سرمایه به صورت کلی یا جزئی از بین رود. تأمین منابع مالی سرمایه برای صاحبان این مشاغل، همواره کار راحتی نبوده و لذا به روش‌های دیگری همچون استقراض و تسهیلات متوسل می‌شوند.

هر نهاد و ارگانی که بتواند به فعالیت اقتصادی سرمایه‌ای پردازد، به شرط سپردن ضمانت‌هایی برای شفاف‌سازی مالی، می‌تواند در سازمان بورس اوراق بهادار به جمع‌آوری سرمایه از طریق مردم اقدام پردازد و آنان را در سود و زیان سهیم کند. با توجه به ریسک‌پذیری که در این اقدام وجود دارد و صرف سرمایه‌ها در راه تولید و سازندگی کشور، این اقدام از دیدگاه فقها و حقوق‌دان پذیرفته شده است. سابقه بورس در انگلستان به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد و پیشرو این صنعت به شمار می‌رود. پیش‌تر سرمایه‌گذاران با حضور فیزیکی در محل بورس باید نسبت به انجام معاملات اقدام می‌کردند. امروزه معاملات بورس به صورت اینترنتی و الکترونیکی انجام می‌شود که در عمل بسیار آسان شده است؛ از این رو می‌توان معامله‌های الکترونیکی را روشی برای حضور در معاملات بورس دانست. در یکی دو دهه اخیر، کاربرد ابزارهای الکترونیکی در معاملات بورس به شدت رشد کرده است و این مهم در کشورهای غربی سابقه بیشتری دارد.

فعالیت‌های بورس الکترونیکی خود زیرمجموعه بحث وسیعی به نام تجارت الکترونیک است که کشورمان در سال ۱۳۸۲ برای آن قانون مصوب کرد و استفاده از ابزار الکترونیک در معاملات را به شرط صحیح بودن ارکان تجارت، به رسمیت شناخت. پیرو آن، آیین‌نامه اجرایی بورس که در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید، نام معامله‌های برخط را به دوش کشید و با نام «دستورالعمل اجرایی معامله‌های برخط اوراق بهادار در بورس»، به منابع حقوقی افزوده شد. از آن سو انگلستان قانون

مستقلی دربارهٔ معامله‌های الکترونیکی ندارد، اما قبول قواعد انسیترال^۱ مصوب ۱۹۶۶ و چند معاهده بین‌المللی مرتبط، کشورهای عضو را ملزم کرده است تا تجارت الکترونیک را به رسمیت بشناسند؛ از این رو در ماهیت حقوقی معامله‌های الکترونیکی بورس، تفاوت چندانی بین حقوق ایران و انگلستان مشاهده نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد قوه اجرایی دو کشور، رویه‌های متفاوتی در این زمینه داشته باشند که با هدف بررسی علل موفقیت بورس، نیازمند تحقیق بیشتر است. این پژوهش به مطالعه تطبیقی قوانین معامله‌های الکترونیکی بورس در و انگلستان می‌پردازد.

۱. ماهیت حقوقی تجارت الکترونیک

عنصر رضایت یکی از مهم‌ترین شرایط صحت قرارداد است. در این نوع معامله‌ها، اعلام رضایت باید به هر نحو ممکن ابراز شود. اعلام حضور کارگزار بورس در فعالیت‌های اقتصادی به معنای رضایت در انجام آن بوده و با سپردن تعهدات به سازمان بورس اوراق بهادار، کارگزاری رضایت خود را از نمایندگی مشتریان اعلام کرده است. مشتریان در حین ثبت‌نام، فرم الکترونیکی قرارداد را مطالعه می‌کنند و گزینه «موافق هستم» را برمی‌گزینند. اعلام الکترونیکی توافق، به معنای اعلام رضایت و از شرایط صحت قرارداد است. درخواست‌های خرید و فروش اوراق بهادار، کاملاً به صورت الکترونیکی اعلام می‌شوند و به معنای خواستهٔ مشروع مشتری هستند. داده‌پیام، بانک اطلاعاتی درخواست‌های صادره است و قابلیت اثبات درخواست از طرف مشتری را دارد. در واقع عنصر «رضای» به‌عنوان یکی از شروط مندرج در قرارداد که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز بدان اشاره شده است، به صورت الکترونیکی اعلام شده و با توجه به مفاد قانون تجارت الکترونیک، مشروعیتی معادل درخواست رسمی سنتی دارد (صادقلو، ۱۳۹۹: ۴۳).

داشتن اهلیت، دومین شرط صحت یک معامله است که در حال حاضر توسط سامانه سجام، انجام می‌شود. این سامانه که توسط سازمان بورس راه‌اندازی شده است، پیش از ورود به کارگزاری اهلیت افراد را می‌سنجد. کارگزاری‌ها مجاز به پذیرش مشتری ثبت‌نام‌نشده در سامانهٔ سجام نیستند و به همین شکل، اهلیت افراد به صورت الکترونیکی مشخص می‌شود (سایت سجام). داده‌پیام، ضمن بررسی اوراق اسکن‌شده و به‌تازگی در نسخه الکترونیکی، خواندن متن ویدئو در نرم‌افزار، هویت

۱. Uncitral

افراد را اثبات مي‌کنند که با توجه به قانون تجارت الكترونيک مي‌تواند مورد پذيرش قرار گيرد. جهت معامله يکي ديگر از شرايط صحت قرارداد است. اين شرايط در عرضه‌هاي الكترونيکي توسط سازمان بورس و ناظران آنها اجرايي مي‌شود. سازمان بورس با هماهنگي دولت و حساب‌رسان معتمد، سهام شرکت‌ها را عرضه مي‌کند. معامله اوراق بهادار مرتبط با هر سهم، با توجه به عرضه آنها از سمت سازمان بورس، نظارت اعمال شده و از همه مهم‌تر شراکت ريسک‌پذير، داراي مشروعيت است و دو معامله موردنظر (بين مشتري و کارگزار و سپس کارگزار با بورس) داراي جهتي مشروع بوده و قابل قبول هستند. اکنون با توجه به اينکه عرضه اوراق بهادار به صورت الكترونيکي انجام مي‌شود، به موجب قانون تجارت و قانون تجارت الكترونيک مي‌توان نسبت به صحت آن اطمینان يافت (عليزاده، ۱۳۹۹: ۵۶).

نتيجه نهايي اينکه با توجه به ماهيت بورس و همچنين بررسي وضعيت الكترونيکي بودن معامله‌ها، مي‌توان منابع حقوقی مرتبط با تجارت الكترونيک را بر اين نوع معامله‌ها صادق دانست و در موقع لزوم از آنها بهره جست.

۱-۱. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴

اين قانون که به اختصار حقوق بورس ناميده مي‌شود و در اين پژوهش با نماد اختصاری ق.ب به کار مي‌رود، در حال حاضر مهم‌ترين منبع حقوقی بورس محسوب مي‌شود. با توجه به ادله اثبات صحت معامله‌هاي الكترونيک، اين قانون در مورد نوع کنونی معامله‌هاي اوراق بهادار، کاربرد داشته و بر آن نظارت دارد.

به موجب ماده ۳ اين قانون، شورای عالی بورس و اوراق بهادار ناظر بر فعاليت‌هاي بورسي است و خود سازمان بورس مجري فعاليت‌هاي شورا است. در ماده ۵ اين قانون، در اين باره سخن گفته شده و در ماده يکم همين قانون، در تعريف بورس به بازار آمده است: «بازاري متشکل و خودانتظام که اوراق بهادار در آن توسط کارگزاران يا معامله‌گران بر اساس مقررات قانون، مورد دادوستد قرار مي‌گيرد. بورس اوراق بهادار (که از اين پس بورس ناميده مي‌شود) در قالب شرکت سهامی عام تاسيس و اداره مي‌شود».

در وضعيت کنونی که ارائه اوراق بهادار به صورت الكترونيک است، همين تعريف با ذکر نام

اعمال الکترونیکی برای آن، می‌تواند برای تعریف بازار بورس تعیین شود.

به موجب ماده سوم قانون، اعضای شورا بدین قرارند:

■ وزیر امور اقتصادی و دارایی؛

■ وزیر بازرگانی؛

■ رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛

■ رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون؛

■ رییس سازمان که به‌عنوان دبیر شورا و سخنگوی سازمان نیز انجام‌وظیفه خواهد کرد؛

■ دادستان کل کشور یا معاون وی؛

■ یک نفر نماینده از طرف کانون‌ها؛

■ سه نفر خبره مالی منحصراً از بخش خصوصی با مشورت تشکّل‌های حرفه‌ای بازار اوراق

بهادار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیئت‌وزیران؛

■ یک نفر خبره منحصراً از بخش خصوصی به پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و تصویب هیئت‌وزیران

برای هر بورس کالایی.

۱-۲. دستورالعمل اجرایی سفارش الکترونیکی

نکته قابل‌توجه اینکه، باوجود تصویب قانون بورس در سال ۱۳۸۴، پیش از آن قوانین جسته‌وگریخته در این‌باره فراوان بود و در سال ۱۳۸۴ نسبت به تجمیع قوانین اقدام شد؛ ازاین‌رو باوجود همان قوانین، در سال ۱۳۸۳، قانونی با عنوان «دستورالعمل اجرایی سفارش‌های الکترونیکی اوراق بهادار پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به تصویب رسید. در مقدمه این قانون آمده است با هدف اجرای ماده ششم قانون تجارت الکترونیک و آیین‌نامه معاملات در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۵۵، این دستورالعمل مصوب می‌شود. ماده ششم این قانون بیان می‌دارد: «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده‌پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر: الف) اسناد مالکیت اموال غیرمنقول؛ ب) فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی؛ ج) اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند یا از به‌کارگیری روش‌های خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌شود».

قانون بورس در چند بند تصویب و برای اجرا ابلاغ شد. بر این اساس، دریافت سفارش‌های خرید و فروش الکترونیکی سهام شرکت‌ها و سایر اوراق بهاداری که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند، منوط به امضای توافق‌نامه‌ای است که متن آن از سوی سازمان بورس تهیه و برای امضا و مبادله میان کارگزار و مشتری، ابلاغ می‌شود. حدود اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های مشتری و کارگزار در اجرای سفارش خرید یا فروش الکترونیکی، بر اساس آیین‌نامه معامله‌های بورس و مفاد همین توافق‌نامه مذکور خواهد بود (آهنی، ۱۳۸۳: ۵۵).

در ادامه آمده است کارگزاری با سفارش الکترونیکی به خرید و فروش اوراق بهادار اقدام می‌کند و مکلف است پیش از انجام معامله و در جریان امضای توافق‌نامه، هویت مشتری را احراز کرده و تصویر معتبری از مدارک هویتی وی یا اطلاعات شناسنامه‌ای مشتری را دریافت کند. در هر حال، مسئولیت احراز هویت مشتری و مطابقت شخص متقاضی با مشخصات اعلام شده بر عهده کارگزار است. در مورد تشخیص هویت، قانون بورس که در سال بعد مصوب شد، بر این موضوع تأکید زیادی کرد. هدف از تأکید قانون‌گذار در این مورد، اهلیت معامله‌گران است که یکی از شروط صحت معاملات است. در ادامه همین قانون آمده است کارگزار باید پس از احراز هویت مشتری نام او را به‌عنوان یکی از کاربران، در سامانه اطلاعاتی خود منظور کند و رمز عبور^۱ منحصر به فردی به مشتری تخصیص دهد. کارگزار موظف است ترتیبی دهد تا در طراحی سایت رمز عبور اولیه در هر زمان توسط مشتری قابل تغییر باشد. این قانون با وجود حجم کم، درباره وضعیت قرارداد با مشتریان با جزئیات بحث کرده است (داراب‌پور، ۱۳۹۷: ۴۳).

۱-۳. دستورالعمل اجرایی معامله‌های برخط اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران

سرانجام در سال ۱۳۸۹، یکی از جامع‌ترین قوانین مرتبط با معامله‌های برخط الکترونیکی در بورس، مشتمل بر ۱۹ ماده و ۹ تبصره و یک پیوست به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و هم‌اکنون دارای اعتبار قانونی است. به موجب ماده سوم این قانون: «زیرساخت دسترسی برخط بازار مورد استفاده عضو باید قبلاً از نظر مواردی مانند امنیت، حفظ اطلاعات محرمانه و

۱. Password

قابلیت‌های فنی به تأیید سازمان رسیده باشد و امکانات مناسبی را برای کنترل و نظارت مستمر بر حفظ شرایط فوق در اختیار سازمان قرار دهد». ماده ششم بیان می‌دارد: «کلیه مسئولیت‌های قانونی و مقرراتی عضو و کاربران وی در قبال استفاده از خدمات دسترسی برخط بازار و معامله‌های انجام‌شده از این طریق، بر عهده عضو است».

محدودیت‌های این عمل که در اختیار سازمان است، به موجب ماده دهم این قانون عبارت است از:

- محدودیت در نوع سفارش؛
- محدودیت در زمان فعالیت؛
- محدودیت فعالیت بر روی نماد معاملاتی، صنعت، بازار خاص یا بازارهای بورس و فرابورس؛
- محدودیت انجام معامله در عرضه‌های خاص؛
- محدودیت در حجم سفارش؛
- محدودیت در قیمت سفارش؛
- محدودیت معاملاتی برای مشتری خاص یا مشتریان؛
- محدودیت در تعداد مشتریان هر عضو؛
- محدودیت در حجم معاملات مشتریان؛
- محدودیت درصد تفاوت قیمت سفارش با دامنه مظنه بازار؛
- محدودیت درصد تفاوت قیمت سفارش با قیمت آخرین معامله؛
- محدودیت تفاوت قیمت نسبت به معامله قبل برای سفارش‌هایی با حجم پایین.

در ادامه ماده یازدهم بیان شده است: «زیرساخت دسترسی برخط بازار باید به گونه‌ای باشد که امکان اعمال محدودیت‌های وضع‌شده توسط سازمان فراهم شود و به صورت پارامتری قابل تنظیم باشد. محدودیت‌های وضع‌شده باید به صورت لحظه‌ای و برخط در زیرساخت دسترسی برخط بازار اعمال و هم‌زمان به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی شود».

در ادامه ماده هفدهم آمده است: «استفاده از زیرساخت دسترسی برخط بازار برای معامله مشتریان توسط نمایندگان و شعب عضو منوط به اخذ مجوزهای لازم از بورس یا فرابورس است. الزام‌ها و شرایط ایجاد و نگهداری شعبه، نمایندگی و دفتر پذیرش که در سایر مقررات بیان شده است یا می‌شود، همچنان لازم‌الاجراست».

۲. معامله‌های الکترونیکی در بورس انگلستان

به‌طور کلی، منابع حقوقی انگلستان در زمینه بورس سه دسته هستند:

۱. دستورات بورس مهم‌ترین منبع حقوقی این کشور در رابطه با معامله‌های اوراق بهادار محسوب می‌شوند. این کتاب تمامی فرامین دولتی در اعصار مختلف مرتبط با بورس را جمع‌آوری و آن را به منبعی حقوقی تبدیل کرده است. نکته قابل توجه اینکه دولت این کشور از اختیارات بالایی در قانون‌گذاری اجرایی برخوردار است و حتی فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار دارد. بسته به عرف دولتی این کشور، قوانین اجرایی گاه بدون تصویب مجلس، یا با تصویب مجلس به صورت قانون درمی‌آیند؛ از این رو تصمیم‌های دولتی با عنوان دستورات بورس جمع‌آوری شده است؛
 ۲. قوه قضاییه مستقل از دولت است و پس از صدور آراء، آن‌ها را در وحدت رویه یادداشت کرده که خود در حکم قانون‌گذاری است. در واقع کامن‌لای این کشور در اینجا تعیین شده و احکام صادره، مبنای قانون هستند؛
 ۳. در نهایت کنوانسیون‌هایی که انگلستان به آن ملحق شده است، در حکم قوانین نوشته داخلی این کشور معتبرند.
- با جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده از هر سه منبع، ماهیت حقوقی بورس این کشور، تهیه و تنظیم شده است.

۲-۱. اختیارات نظارتی پلیس

اختیار فرماندهی کل نیروهای مسلح که پلیس نیز جزئی از آن محسوب می‌شود، در اختیار دولت و قوه مجریه قرار دارد. پس از ورود فناوری الکترونیک به دنیای معامله‌های بورس انگلستان، در سال ۱۹۸۰، دولت این کشور مصوب کرد که پلیس این کشور اختیارات کامل نظارت بر معامله‌های اوراق بهادار را داشته و می‌تواند گزارش‌های مرتبط را به دولت و سپس دادگاه شاهی ارسال کند و در صورت صدور دستور قضایی رؤسای دادگاه، نسبت به تعقیب و بازداشت متهمان اقدام می‌شود. این قانون در سال ۱۹۸۱ در مجلس عوام تأیید شد و هم‌اکنون نیز اختیار پلیس را در بازرسی تمام و کمال فرایند الکترونیکی معامله‌های اوراق بهادار تعیین می‌کند. در واقع بازرسی و تحقیق از بورس الکترونیک، برای پلیس این کشور به مجوز نیاز ندارد، تنها تعقیب و مجازات شخص خاص، به

مجوز قضایی نیاز دارد که در اختیار دادگاه شاهی نهاده شده است. در سال ۲۰۰۲، شکواییه‌ای از سوی خانم لیلی شارکان به مرجع قضایی بخش داده شد. وی ادعا کرده بود فعالیت‌های بورسی وی توسط پلیس مسدود شده است. نماینده پلیس به دادگاه رجوع کرده و «فعالیت‌های مشکوک به کمک به تروریسم» را علت این اقدام عنوان کرد. مرجع قضایی این اقدام پلیس را وارد ندانست و گفت پلیس تنها حق نظارت داشته و برای مسدودسازی حساب باید از دادگاه شاهی مجوز دریافت می‌کرد؛ از این رو باید در اسرع وقت فعالیت‌های الکترونیکی بورس خانم شارکان، آزادسازی شود (بل^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۶۰).

از این مثال حقوقی دریافت می‌شود که اختیارات بالای نظارتی حتی در فعالیت‌های شخصی کاربران بورس، برای پلیس این کشور مقرر شده است، ولی برای اقدام عملی، باید از دادگاه شاهی مجوز دریافت کنند. نکته قابل توجه اینکه این اختیار، تنها در دست پلیس بوده و نیروهای امنیتی برای دریافت این اطلاعات یا باید با پلیس همکاری کرده و یا از دادگاه شاهی مجوز دریافت کنند. مطابق حقوق عرفی این کشور، پلیس می‌تواند در زمینه اطلاعات مذکور با نهادهای امنیتی دولتی همکاری کند. انگلستان تنها یک سازمان امنیت دولتی دارد که در زیرمجموعه آن، بخش خصوصی حضور فعالی دارد. پلیس این کشور مجاز به سپردن اطلاعات به بخش خصوصی امنیتی نیست و تنها با سازمان اطلاعات مرکزی همکاری دارد (لستر^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۵).

این مثال حقوقی به خوبی وظیفه پلیس کشور را در نظارت بر فعالیت‌های الکترونیکی بورس نشان می‌دهد. پیش از الکترونیکی شدن بورس، این قانون وجود نداشت؛ از این رو می‌توان آثار الکترونیکی شدن بورس را نظارت بهتر دانست که پس از آن در اختیار پلیس قرار داده شده است. دادگاه شاهی نیز بر مستندات نظارت داشته و در صورت لزوم، نسبت به صدور حکم اقدام می‌کند. گفتمنی است در نظام حقوقی انگلستان، در خردترین بخش دادخواهی، دادگاه صلح قرار دارد که مانند شورای حل اختلاف کشورمان عمل می‌کند. سپس دادگاه شاهی بالاتر از آن قرار دارد و پس از آن دادگاه تجدیدنظر و در نهایت دادگاه مجلس اعیان. جرم‌های ارتكابی برحسب میزان سنگین بودن، به یکی از دادگاه‌ها ارجاع شده و هر دادگاه مرجع تجدیدنظرخواهی دادگاه پایین‌تر است. مسائل مرتبط

۱. Bell

۲. Lester

با تخلفات بورس، عموماً در دادگاه شاهی و تجدیدنظر بررسی شده و احکام موجود نیز به این دادگاه‌ها مرتبط هستند. بخش نظامی نیز مانند دادرسی نظامی وجود دارد که به تخلف‌های کارکنان پلیس رسیدگی می‌کند. البته مانند ایران، سازمان قضایی نیروهای مسلح وجود ندارد و تنها در بخشی از دادگاه‌های عمومی، محاکمه نظامیان متخلف انجام می‌شود.

۲-۲. گروگان‌گیری تولید

در سال ۱۹۷۰، دولت انگلستان لایحه‌ای با نام «مبارزه با گروگان‌گیری تولید» به مجلس ارائه داد که در نهایت در پایان همان سال به تصویب نهایی رسید. در مقدمه قانون آمده است: «تمامی سیاست‌های خرد و کلان کشور باید در راه رونق و تسهیل تولید در همه بخش‌ها باشد، اما تولیدکنندگان حق ندارند به واسطه منافی که برای کشور دارند، سوءاستفاده کرده و از سویی دیگر منافع کشور را به خطر اندازند». در ادامه آمده است: «در صورت تشخیص مصداق گروگان‌گیری تولید، دولت این کشور به حکم مجلس اعیان حق تملک واحد را دارد». با توجه به اینکه یکی از راه‌های گروگان‌گیری تولید، خرید سهام اوراق بهادار مرتبط با کارخانه‌هاست، این قانون در مورد بورس نیز صادق است. انگلستان نخستین کشوری بود که چنین قانونی را به تصویب رساند و در حال حاضر کشورهای زیادی که بیشتر در جهان سوم قرار دارند، به واسطه ضعف در تولید، درگیر مافیای تولید نیز شده‌اند که بررسی این قانون می‌تواند راهنمای آنان در مبارزه با این پدیده باشد. به بیان چند مثال حقوقی در این باره توجه شود (پترسمن، ۲۰۱۹: ۱۲۴):

در سال ۱۹۸۹ صاحبان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های کشتی‌سازی در لیدز، با ثبت چند شرکت صوری، اقدام به خرید اوراق بهادار معادل ۵۰ درصد کل سهام بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد انگلستان کردند و همچنین بزرگ‌ترین واردکننده آن شدند. متخلفان با حضور در هیئت‌مدیره آن شرکت‌ها، تولید و عرضه فولاد را به کشتی‌سازی محدود کرده و صادرات خود به خارج را به سه برابر افزایش دادند. قیمت فولاد در سال ۱۹۹۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش داشت که موجب زیان دیگر شرکت‌های تولیدی شده بود. پس از پیگیری‌های مقامات قضایی این کشور، مسئله انحصار مشخص شد. مطابق قانون این کشور، دولت تنها حق درخواست از مسئولان شرکت خصوصی را داشته که با توزیع بیشتر

فولاد، زمینه را برای رونق تولید در دیگر بخش‌ها فراهم می‌آورد، اما پاسخ شرکت کشتی‌سازی، تهدید به تعطیلی واحد و بیکاری ۴۰۰۰ نفری در شهر لیدز بود. اقتصاددانان نیز با واردات فولاد به این علت مخالف بودند که موجب کاهش ارزش پوند می‌شد. در نهایت اینکه پس از بررسی‌های فراوان، به حکم قانون مبارزه با گروگان‌گیری تولید، مجلس اعیان به‌عنوان بالاترین مقام نظارتی و قضایی کشور، اختیار تملک کارخانه فولاد و شرکت واردکننده آهن را به دولت داد. با مجوز قضایی، پلیس انگلستان اوراق بهادار خریداری شده از بورس را به نام دولت انتقال داد و بدین‌صورت آرامش دوباره به بازار فولاد بازگشت (چو^۱ و کورتز^۲، ۲۰۱۸: ۱۸۵).

از این مثال حقوقی چند نکته قابل توجه است: نخست اینکه فرایند الکترونیکی شدن خرید اوراق بهادار، این امکان را به مأموران اجرای احکام داد که به حکم قضایی، به‌آسانی نسبت به تغییر نام سهام اقدام کنند. دوم اینکه اعتبار اوراق بهادار الکترونیکی در اینجا مشخص بوده و مالکیت به واسطه آن کاملاً به رسمیت شناخته شده است. سوم اینکه ملاک فرارگرفتن گزارش‌های مقامات امنیتی و پلیس در این پرونده مشخص بود. طبیعتاً اثبات گروگان‌گیری تولید بر اساس قانون نوشته، عملی سخت و دشوار است. به گزارش پلیس، مراحل گروگان‌گیری تولید تشریح و به حکم حقوق عرفی، مورد تأیید قاضی قرار گرفت. تملک اجباری واحد تولیدی، جریمه‌ای برای گروگان‌گیران بوده و همچنین منابع مالی دولت را فراهم می‌کند، چراکه دولت پس از مدتی نسبت به فروش آن به بخش خصوصی اقدام خواهد کرد. به‌رحال این منبع حقوقی برای بورس صادق بوده و این مکان نباید به محلی برای گروگان‌گیری تولید و انحصار در واحدها مبدل شود.

۲-۳. اقسام بورس و عرضه آن

به موجب قانونی که در سال ۱۹۸۶ در دولت این کشور به صورت اجرایی (بدون نیاز به تصویب قانون‌گذاران) به تصویب رسید، بورس در سه قسمت به فعالیت می‌پردازد:

■ بورس (A) که به موجب آن شرکت‌هایی با ارائه تمام سهام خود به صورت اوراق بهادار الکترونیکی فعالیت دارند. دریافت مجوز حضور در این بورس، تأیید دادگاه اعیان است. اهلیت شخصیت‌ها نیز در آن لحاظ شده و سقف خرید برای هر فرد تعیین می‌شود. معمولاً شخصیت‌های

۱. Cho

۲. Kurtz

حقوقی در این نوع بورس فعالیت دارند و کسانی که قصد داشتن شرکتی را با سرمایه خود دارند، در این محل اقدام به خرید می‌کنند. تنها در این بورس، اهلیت افراد لحاظ شده و معمولاً خارجی‌ان و افراد با سوء پیشینه سیاسی، حق ورود به این بورس را ندارند. صنایع مادر نیز از حضور در این نوع بورس منع شده‌اند. در این کشور، صنایع کشت و صنعت، فولاد و نفت، از صنایع مادر محسوب شده و درصد کمی از آنان مجوز حضور در این نوع بورس را از مجلس اعیان گرفته‌اند. البته این قانون مطلق نبوده و با توجه به عرف حقوقی مشخص می‌شود. در این نوع بورس، تنها به ذکر نام صنایع مادر اشاره شده است که البته قانون‌گذاران مجلس اعیان پس از بررسی وضعیت شرکت‌ها، نسبت به صدور مجوز مرتبط اقدام می‌کنند (چوی^۱، ۲۰۱۷: ۲۱۰).

■ در بورس (B) شرکت‌ها با مجوز حداکثر فروش ۵۰ درصد کل سهام به صورت اوراق بهادار، فعالیت خود را آغاز می‌کنند. معمولاً اهلیت خریداران بررسی نشده و هر شخص شهروند و خارجی حق حضور در این بورس را دارد. البته گزارش‌هایی وجود دارد که در حین معامله‌ها، پس از گزارش تخلفات توسط پلیس، برخی افراد از حضور در این معامله‌ها منع شده‌اند. از آنجاکه امکان حضور در هیئت‌مدیره برای این افراد وجود دارد، معمولاً فعالیت‌های شرکتی آن‌ها که به واسطه خرید اوراق بهادار انجام می‌شود، تحت رصد قرار می‌گیرد و در صورت لزوم، دادگاه نسبت به تملک اوراق بهادار حکم می‌دهد. عمده مسئله موردنظر در تخلفات این حوزه، انحصار است که قانون‌گذاران گیری تولید در این باره صادق است (نول^۲ و مرزوکی^۳، ۲۰۱۸: ۳۵).

در سال ۲۰۰۷ تخلف یک شرکت دارویی در صادرات بی‌رویه دارو به خارج از کشور محرز شد. این شرکت داروهای مورد نیاز کشور را که به تأمین آن‌ها تعهد داده بود، به کشورهای خاورمیانه صادر کرد و کشور در تأمین دارو با مشکل مواجه شد. به حکم دادگاه مجلس اعیان، اعضای هیئت‌مدیره به میز محاکمه آمدند. یکی از سهام‌داران، سهام خود را به صورت اوراق بهادار الکترونیک تا سقف ۲۰ درصد خریده بود و دیگر سهام‌داران، سهم خود را به روش‌های دیگر غیر از بورس، تملک کرده بودند (پیش از تصویب قانون تقسیم‌بندی بورس، انتقال نام سهام در خارج

۱. Choi

۲. Newell

۳. Marzuki

از بورس امکان پذیر بود، اما پس از تصویب قانون، تنها راه تملک سهام، خرید اوراق بهادار آن از بورس است). به حکم مجلس اعیان، تنها مالکی که از بورس B سهم خود را خریده بود، به مصادره مال محکوم و سهامش به نفع دولت ضبط شد. دیگر سهامداران با وجود محاکمه کیفری، به مصادره مال محکوم نشدند. از این مثال حقوقی می توان دریافت سهام خریداری شده از این بورس، برای مالک آن تعهد ایجاد کرده است و در صورت تخلف هیئت مدیره، آن سهم به تملک دولت درآید؛ از این رو سهامداران باید از قدرت خود برای مقابله با بی قانونی بهره ببرند (وستبروک^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۹۷-۲۱).

■ سومین گروه بورس، بورس (C) است. اوراق منتشر شده در این بورس، کمتر از ده درصد کل سهام بوده و خرید این سهام حق حضور در هیئت مدیره را ایجاد نمی کند. گزارشی از تملک دولتی در این مورد وجود ندارد. هم اکنون بیش از هفتاد درصد بورس لندن را بورس گروه سوم تشکیل می دهد و سرمایه های ریزودرشت به این بازار وارد می شود، اما حق تصمیم گیری در مورد شرکت به دارنده اوراق داده نمی شود. اهلیت خاصی برای شرکت کنندگان در بورس تعیین نشده و شرکت ها و همچنین سرمایه داران، به سهولت قادر به ورود به این بازار هستند (کورام^۲، ۲۰۱۸: ۴۵).

۲-۴. سهام ممتاز

سهام ممتاز^۳ یکی از انواع سهام است. سهام ممتاز، نوعی گواهی مالکیت قابل انتقال است که به دارنده آن، حقی محدود و ثابت از دارایی های شرکت می دهد. واژه ممتاز بدین معنی است که پرداخت سود این سهام، نسبت به سود سهام عادی، اولویت داشته و باید به طور کامل پرداخت شود؛ حتی اگر شرکت به هر دلیل ورشکسته شود. از سویی ممکن است برخی حقوق مانند حق رأی در مجمع، از دارندگان سهام ممتاز سلب شود (بهفر، ۱۳۹۲: ۶۰).

در مثالی حقوقی، یک شرکت فرآوری زغال سنگ در لیورپول، ورشکست شد و قصد تفکیک اموال بین طلبکاران را داشت. به موجب شکایت سهامداران به دادگاه تجدیدنظر، اوراق بهادار الکترونیکی خریداری شده ارائه شد که نام ممتاز در آن قید شده بود. به دستور دادگاه تجدیدنظر، پیش از تقسیم اموال،

۱. Westbrook

۲. Koram

۳. Preferred Stock

حق سهام سهامداران با سود موجود، به آن‌ها پرداخت شده و از محل باقی مانده، طلبکاران دیگر به حق خویش می‌رسند. در نهایت طلبکاران هریک به ۵۰ درصد طلب خود رسیده، ولی مالکان اوراق بهادار ممتاز، هریک به تمامی سهم خود رسیدند (کاظمی^۱ و مکرمی^۲، ۲۰۱۶: ۱۳۳).

از این مثال حقوقی به خوبی برداشت شده است که حق ممتاز، حقی بر طلب محسوب شده و در امور دیگر حقوقی وجود دارد. برای مثال، در یک کارخانه، حقوق کارگران حق ممتاز است که در کامن‌لای انگلستان به آن اشاره شده است. حق ممتاز برای خریداران سهامی بوده که در بورس به نام اوراق ممتاز بهادار، خریداری کرده‌اند. الکترونیکی بودن فرایند تأثیری بر روند آن نداشته و کلیه مراحل قانونی مدنظر است. در انتقال نام سهام در اداره شرکت‌ها، نمی‌توان حق ممتاز برای آن قائل شد. تنها به موجب عرضه اولیه اوراق بهادار، این حق ایجاد می‌شود. قیمت سهام ممتاز نیز از سهام عادی بیشتر است.

در اینکه صنایع تبدیلی به عنوان ارائه‌دهندگان سهم ممتاز شناخته شده‌اند، بحث فراوان است. دولت با هدف افزایش ارزش افزوده به کالاها، مانع از خام‌فروشی شده است. یکی از این راهکارها، سهام ممتاز برای شرکت‌های تولیدی است. این شرکت‌ها معمولاً به دلیل حمایت‌های دولتی کمتر ورشکست شده، اما برای افزایش سرمایه‌ها، حق ممتاز برای آن‌ها لحاظ می‌شود. صنایع مادر به دلیل نیاز به ارزان بودن محصولات، معمولاً در شمول سهام ارزان قرار دارند، ولی دولت این کشور به صنایع تبدیلی و فرآوری اهمیت ویژه‌ای داده است (مانسینی^۳، ۲۰۱۸: ۱۷۰).

در مورد وضعیت الکترونیکی بودن ارائه سهام نیز معنی وجود نداشته و اوراق بهادار با حق ممتاز چه به صورت الکترونیکی و چه به صورت سنتی، قابلیت ارائه و فروش دارند. در واقع ارائه شدن به صورت الکترونیکی، تأثیری بر ماهیت حقوقی و آثار آن ندارد (میر^۴ و پارک^۵، ۲۰۱۸: ۶۷۰).

۲-۵. تجزیه قراردادها

-
۱. Kazemi
 ۲. Mokarrami
 ۳. Mancini
 ۴. Meyer
 ۵. Park

تجزیه قراردادها که بحث مهمی در فقه و حقوق اسلامی است، به صورت خلاصه بدین معناست که اگر چندین کالا معامله شده و بهای همگی با هم پرداخت شده باشد، در صورت خیار، باید کل قرارداد تحت خیار قرار گیرد و امکان فسخ جزئی وجود ندارد. در واقع حق تجزیه قراردادها وجود دارد، اما حق فسخ قابل تجزیه نیست. همان‌طور که بیان شد، قرارداد بورس در کشور ما شامل دو قرارداد است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۷۵): قرارداد نخست بین کارگزار و مشتری، و قرارداد دوم بین کارگزار و بورس که از تکرار مکررات پرهیز می‌شود. انگلستان به پیروی از قانون عدم تجزیه حق فسخ عمل کرده و کل معامله بورس را یک قرارداد می‌خواند؛ بدین معنا که انحلال کارگزاری موجب ابطال قراردادها شده و قرارداد واحدی در جریان بوده که قابل فسخ است. این مورد از کامن‌لای انگلستان نشئت گرفته و در کتاب دستورات بورس وجود ندارد. ریشه این مسئله حقوقی، حق فسخ در دیگر قراردادهای عادی بوده که به دنیای بورس و حتی بورس الکترونیک نیز تعمیم داده شده است. الکترونیکی شدن بورس نیز کوچک‌ترین تأثیری بر ماهیت و اثر آن ندارد (کهن، ۲۰۱۸: ۷۵).

در سال ۲۰۰۶، یکی از کارگزاری‌های بورس لندن به دلیل تخلف منحل شد و تمامی سهام مشتریان، خودبه‌خود به فروش رفت. برخی مشتریان به دادگاه شاهی اعتراض کردند که دادگاه این دادخواهی را رد کرد. در نهایت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر به‌عنوان مقام سوم دادگاه‌های این کشور انجام شد و به این رأی فرجام‌خواهی کرد. در رأی صادره آمده است قرارداد سه‌جانبه بین سرمایه‌گذار، کارگزار و بورس انجام شده و با انحلال یک رکن از معامله‌های بورس، معامله قابل تجزیه یا واگذاری نبوده است؛ از این رو در اولین فرصت به صورت قهری به فروش رفته و سرمایه‌گذاران به پول خود رسیدند. در واقع به معامله پایان داده شده است. در تفسیر این رأی حقوقی چنین آمده است که قرارداد بورس به صورت سه‌جانبه و واحد در نظر گرفته شده که با انحلال یک عضو، معامله پایان می‌یابد (کرانسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۵۴).

در مثال‌های متعدد، چنین مشخص شده است که با انحلال شرکت عرضه‌کننده اوراق بهادار معامله نیز پایان یافته و اوراق به صورت قهری به فروش رسیده است. الکترونیکی شدن اوراق بهادار نیز زمینه را برای اجرای احکام فراهم داشته و به حکم مقامات قضایی، مقامات ذی‌ربط نسبت به

۱. Cohen

۲. Cranston

فروش اوراق اقدام کرده و پول آن را به حساب سرمایه‌گذار واریز خواهند کرد (گائو، ۲۰۰۲: ۶۵).

۲-۶. لزوم ارائه سهام شرکت‌های دولتی

در تصمیم هیئت دولت در سال ۱۹۹۵، به جز سه شرکت دولتی مهم، دولت حق نگهداری سهام دولتی به مدت بیش از پنج سال را ندارد. حتی سهام تملک‌شده به نفع دولت که مثال‌های حقوقی آن پیش‌تر بیان شد، باید حداکثر تا پنج سال پس از مالکیت، به صورت اوراق بهادار به فروش برسند. با توجه به اینکه دولت قصد فروش شرکت‌ها را با هدف مدیریت خصوصی دارد، بسته به تصمیم هیئت دولت، در صورت بازدهی مناسب آن شرکت، حداکثر ۴۰ درصد سهام آن را برای خود نگاه می‌دارد. شرکت‌های تولیدی مادر که صنایع فولاد در رأس آن قرار دارد، عموماً با حمایت‌های دولتی و با صرف‌نظر از سود کلان، تأسیس شده‌اند و سوخت موتور تولید کشور هستند. این شرکت‌ها معمولاً با هدف ترغیب سرمایه‌گذاران، با قیمت کمتر از واقعیت به فروش می‌رسند. دولت در طرح خود به این اقدام مبنای حقوقی بخشیده است. در واقع یارانه دولت به سرمایه ثابت این شرکت‌ها بوده است تا بتوانند مواد خام صنعتی را تأمین کنند. با توجه به مالکیت ابتدایی دولت بر آن، قانونی وضع شده که تغییر کاربری این شرکت‌ها و همچنین کاهش سرمایه ثابت شرکت تحت هیچ عنوان قابل قبول نیست و حفظ کرسی دولت در هیئت‌مدیره نیز با همین هدف صورت می‌گیرد. این شرکت‌ها عموماً در بورس اول، عرضه شده و اهلیت افراد در حین خرید، باید تعیین شود (سیدی و باقری، ۱۳۸۷: ۶۸).

در سال ۲۰۰۷ یکی از شرکت‌های بزرگ فولادسازی، سه شرکت دیگر تجاری به نام خود ثبت کرد و به‌آرامی سرمایه‌های خود را به آن‌ها انتقال داد. بر مبنای حسابرسی آنلاین سازمان بورس و همچنین ارتباط عرضه اوراق بهادار در بورس A و B، پلیس لندن به اصل قضیه پی برد و پرونده قضایی به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد. به حکم دادگاه تجدیدنظر، سهام شرکت‌ها به نام دولت ضبط شد. دولت نیز پس از سه سال، شرکت بازسازی‌شده را دوباره در بورس A عرضه کرد و به افراد دارای صلاحیت فروخت. تمامی سهامداران پیشین شرکت، از حضور دوباره در بورس A ممنوع

شدند (برلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۵۱).

نظارت پلیس بر حسابرسی‌های دقیق، تحسین برانگیز است. به دلیل محرمانه بودن امورات، از وضعیت اداره پلیس، اطلاعاتی در دسترس نیست؛ اما مثال‌های حقوقی گواه آن است که پلیس بر حسابرسی‌های این شرکت‌ها دقت کامل داشته و ارتباط آن‌ها و همچنین جایگاه بورس‌ها را به صورت دقیق سنجیده و هرگونه اختلاف آن را می‌یابد؛ از این رو اعتماد به واقعی بودن بورس انگلستان تقویت شده و سرمایه‌گذاران خارجی با توجه به تسهیل حضور در بورس، در آن حضور یافته و بیش از پیش به توسعه آن کمک کرده‌اند. زحمات پلیس این کشور در این باره قابل تقدیر است (برلی و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۵۱).

سازمان خصوصی‌سازی انگلستان نیز به موجب این قانون، اختیاراتی یافته که بتواند موضوع خصوصی شدن شرکت‌های دولتی را پیگیری و جامعه را از آثار مفید آن بهره‌مند کند.

۲-۷. سبدگردانی

در سال ۲۰۰۰ میلادی با رشد فزاینده مهاجران به انگلستان، این کشور با معضلی جدی روبه‌رو شده بود. اغلب مهاجران تازه سواد لازم را برای سرمایه‌گذاری نداشتند و به امورات الکترونیکی مسلط نبودند. هرچند سبدگردانان تحت نظارت‌های دولتی، امکان سوءاستفاده از این وضعیت را نداشتند، اما حقوق‌شان در سود اوراق بهادار بود و در زیان شریک نبودند. در عین حال گزارش‌های متعددی درباره سوءاستفاده سبدگردانان به روش سنتی وجود داشت. در سیاست‌های دولت انگلستان جذب سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌بینی شده بود و این در حالی بود که عمده مهاجران را سرمایه‌داران خرد تشکیل می‌دادند؛ از این رو دولت در لایحه‌ای، قانون جدید بورس را مصوب کرد. به موجب این قانون، تمام فعالیت‌های سبدگردانی الکترونیکی شده و از این پس سبدگردانی به روش سنتی ممنوع اعلام شد. این اقدام اولاً به فعالیت الکترونیکی بورس اعتبار ویژه‌ای بخشید و راه سوءاستفاده برخی سودجویان را بست. دوم اینکه سبدگردانان در زیان وارده شریک بوده و این زیان از محل اوراق خریداری شده خود تأمین شده و سهم سبدگردانی آن‌ها نیز محدود شد. با این اقدام تعداد سبدگردانان به دلیل محدودیت فعالیت، رشد داشت و موجب اشتغال فزاینده شد. از سوی دیگر با اعتماد ایجاد شده به بورس انگلستان،

۱. Brealey

سرمایه‌های بیشتری به این کشور سرازیر شد (مونوز، ۲۰۱۷: ۷۵).

این قانون را می‌توان مهم‌ترین عمل حقوقی انگلستان در رسمیت‌بخشی به فعالیت‌های الکترونیک بورس دانست. البته به موجب کامن‌لای این کشور، الکترونیکی‌شدن این عمل خالی از ایراد بوده و با حفظ ماهیت و اثر پذیرفته شده بود. فعالیت‌های برخط با این قانون رسمیت حقوقی بیشتری به خود گرفتند. سببگردانان خود را موظف به دلسوزی بیشتری کردند تا با رشد سود سهام، درصد افزون‌تری را برای خود صاحب شوند. درعین‌حال شرط سببگردانی، داشتن سهام معادل بود. بدین‌صورت سببگردانان غیرحرفه‌ای از بازار حذف شده و افراد حرفه‌ای که در کار خود سابقه موفقیت‌های بورسی داشتند، مجاز به این عمل شدند. اثر مثبت این اقدام، رشد بیشتر بازار بورس انگلستان بود (مونوز، ۲۰۱۷: ۷۵).

با توجه به آنلاین انجام‌شدن این فعالیت‌ها، اختلاف حقوقی خاصی در این مورد گزارش نشده و پرونده حقوقی با هدف بررسی وحدت رویه موجود نیست. نظارت دقیق پلیس بر فعالیت‌های انجام‌شده، راه هرگونه رانت و فساد در این‌باره را مسدود کرده است.

۸-۲. تجارت الکترونیک

همان‌طور که بیان شد، انگلستان به صورت مستقل قانونی در مورد تجارت الکترونیک ندارد و قانون سببگردانان را می‌توان تنها منبع حقوقی مرتبط با فعالیت بورس الکترونیک دانست. کامن‌لای این کشور به صورت کامل این نوع معامله‌ها را به رسمیت شناخته و ماهیت نوع الکترونیکی را با نوع سنتی یکسان می‌داند. در چند فرمان دولتی مرتبط با معامله‌های بورس، الزام به الکترونیکی‌شدن مطرح شد که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم. در بررسی مثال‌های حقوقی نیز به اعتبار کامل معاملات بورس به صورت الکترونیک پرداخته شده است و تاکنون هیچ منبع حقوقی نوشته و عرفی، چنین نوعی از خرید اوراق بهادار را نامشروع نشمرده است. باوجود عرفی‌بودن حقوق انگلستان، این کشور به برخی معاهده‌های جهانی مرتبط با تجارت الکترونیک ملحق شده است که مفاد آن مانند قوانین داخلی معتبر است. کشور ما نیز در بیشتر این کنوانسیون‌ها عضویت دارد که تشابه ماهیت حقوقی معامله‌های الکترونیک را شامل می‌شود. در ادامه به برخی کنوانسیون‌هایی اشاره می‌شود که انگلستان

به آن ملحق شده و مفادشان مانند قوانین داخلی آن است.

۱-۸-۲. آنسیترال

در حال حاضر، ایران و انگلستان هر دو قواعد آنسیترال را پذیرفته‌اند. در سال ۱۹۷۳ اعضای آنسیترال به ۳۶ عضو و در سال ۲۰۰۴ به ۶۰ عضو ارتقا یافته‌اند. اعضای آنسیترال توسط مجمع عمومی سازمان ملل برای شش سال انتخاب می‌شوند. ایران نیز تا سال ۲۰۲۲ به‌عنوان یکی از اعضای آنسیترال انتخاب شده است.

با امضای الکترونیکی آنسیترال شرط کتبی بودن از مفهوم نوشته حذف شده و داده‌پیام هم‌ارزش با نوشته قرار گرفته است. در بند نخست ماده ۸ قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنسیترال مقرر شده است: «هرگاه قانون مکتوب بودن اطلاعات را لازم بداند، این شرط به وسیله داده‌پیام محقق خواهد شد...». همچنین ماده ۶ این قانون در بیان اصل برابری داده‌پیام با نوشته اعلام می‌دارد: «جایی که قانون ملزم می‌کند اطلاعات به صورت مکتوب باشند، این ضرورت توسط داده‌پیام مرتفع می‌شود، مشروط به اینکه اطلاعات موجود در داده‌پیام قابل دسترسی بوده و برای مراجعه بعدی قابل استفاده باشد». به استناد این ماده و با توجه به تعریف بسیطی که از داده‌پیام القا می‌کند، به این اصل اساسی رسیده است که در مقام برخورد با داده‌پیام، نباید تبعیضی میان اسناد کاغذی و داده‌پیام که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی تولید می‌شود، قائل شد. در همین راستا به منظور توسعه دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی و عرضه خدمات الکترونیکی و اصالت‌بخشیدن به اسناد الکترونیکی و کاهش اسناد کاغذی، بند ب ماده ۸ برنامه پنجم توسعه کشور مقرر می‌دارد: «سند الکترونیکی در حکم سند کاغذی است؛ مشروط بر آنکه اصالت صدور و تمامیت آن محرز باشد». با این تعریف، مفهوم کتبی بودن در فضای مجازی به رسمیت شناخته شده است و داده‌پیام از همان اعتبار نوشته در فضای غیرمجازی برخوردار شده است.

ماده ۵ قانون آنسیترال در بیان به‌رسمیت‌شناختن داده‌پیام مقرر می‌دارد: «اثر حقوقی اعتبار یا قابلیت اجرایی اطلاعات نباید به صرف اینکه به صورت داده‌پیام هستند، مورد انکار قرار گیرند». این ماده اصلی اساسی را تشریح می‌کند که بر اساس آن، داده‌پیام‌ها نباید مورد تبعیض واقع شود، یعنی نباید میان داده‌پیام و اسناد کاغذی از نظر رسیدگی تفاوتی قائل شد. این ماده تمامی الزام‌های قانونی

درباره یک نوشته یا نسخه اصل را شامل می‌شود. به عبارت دیگر این ماده با بیان اینکه «تأثیر، اعتبار یا قابلیت اجرایی - قانونی اطلاعات نباید صرفاً بدین دلیل باشد که به شکل یک داده پیام است»، سعی در بیان به رسمیت شناختن حقوقی داده پیام در مواردی دارد که تاکنون سند کاغذی مورد پذیرش قرار گرفته می‌شد.

ماده ۹ قانون نمونه تجارت الکترونیکی آنسیترال در بیان مقبولیت و پذیرش داده پیام در نظام حقوقی ادله اثبات دعوا بیان می‌دارد: «در نظام ادله اثبات دعوا، نباید هیچ‌یک از قواعد حقوقی به عنوان دلیل ایجاد شده، مقبولیت و قابلیت پذیرش داده پیام را انکار کنند: الف) به صرف اینکه یک پیام است؛ ب) به این دلیل که داده پیام در قالب نسخه اصلی نیست؛ اگر بهترین دلیلی باشد که شخص آن را در این زمینه اقامه می‌کند».

با توجه به عضویت انگلستان در این نهاد، پذیرش این احکام در مورد تجارت الکترونیکی برای کشور اجباری بوده و قابلیت تعمیم این قواعد در مورد خرید الکترونیکی بورس اوراق بهادار وجود دارد که البته با توجه به عرفی بودن حقوق این کشور، از تدوین قانون نوشته در این مورد خودداری شده است، ولی با توجه به تعهدات این کشور به انسیترال، به رسمیت شناختن آن در امورات بورس، برای کشور ضروری است.

۲-۸-۲. کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا مصوب ۱۹۸۰

این کنوانسیون بر قراردادهای بیع کالا میان طرفین که محل تجارت آنان در کشورهای مختلف قرار دارد، اعمال می‌شود؛ البته چنانچه کشورهای مزبور جزء کشورهای متعاهد باشند یا در صورتی که قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، منجر به اعمال حقوقی یکی از کشورهای متعاهد شود. این واقعیت که محل تجارت طرفین در کشورهای مختلف قرار دارد، مادامی که واقعیت مزبور از قرارداد یا از معاملات آنان یا اطلاعات ارائه شده توسط آنها در زمان انعقاد قرارداد یا هر زمانی پیش از آن معلوم نباشد، نباید مورد توجه قرار گیرد. تابعیت طرفین قرارداد و نیز خصوصیت مدنی یا تجاری طرفین با قرارداد، در تعیین قلمرو این کنوانسیون مدنظر قرار نخواهد گرفت (هاشمی، ۱۳۹۵: ۶۰).

در بخش دیگری بیان شده است که قراردادهای ناظر بر تأمین کالایی که باید ساخته یا تولید شوند، باید بیع تلقی شود؛ مگر اینکه سفارش دهنده کالا تأمین قسمت اساسی مواد لازم برای ساخت

یا تولید کالا را بر عهده گیرد. کنوانسیون حاضر بر قراردادهایی که در آن قسمت عمده تعهدات طرفی که کالا را تهیه می‌کند، شامل تأمین نیروی کار یا سایر خدمات است، اعمال نمی‌شود. در مفاد این کنوانسیون، به صورت رسمی بحثی در مورد مشروعیت قراردادهای الکترونیکی نشده ولی از واژه قراردادهای متعارف نام برده شده است. بر این اساس، بارها در حقوق عرفی و در دعاوی مرتبط با بیع الکترونیک، به مفاد مرتبط با بیع کالا اشاره شده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت مطابق مفاد این کنوانسیون، ماهیت و آثار قراردادهای الکترونیک با نوع سنتی آن یکسان است. این مسئله در عرف استنادها به کنوانسیون، بارها مشاهده شده است. با توجه به اینکه عموماً بیع بین‌الملل در این کنوانسیون مشاهده شده است، می‌توان در موارد مرتبط با بیع الکترونیک، به مفاد عمومی آن استناد کرد (ملایی‌نژاد و پورچنگیز، ۱۳۸۰: ۴۵).

ایران و انگلستان هر دو در این کنوانسیون عضویت داشته و پیروی از قواعد آن برای هر دو کشور ضرورت دارد.

۲-۸-۳. مؤسسه بین‌المللی برای وحدت حقوق خصوصی

مؤسسه بین‌المللی برای وحدت حقوق خصوصی، سازمان بین‌المللی دیگری است که با هدف هماهنگ کردن قواعد تجاری فرامرزی فعالیت می‌کند. ایران و انگلستان هر دو عضو این مؤسسه هستند. این سازمان که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد، اصول قراردادهای تجاری را پس از بیست سال مطالعه و تحقیق بر مبنای قواعد حقوق قراردادهای سیستم‌های حقوقی مختلف ارائه می‌کند. اطراف قراردادهای تجاری می‌توانند این مجموعه را به‌عنوان قانون حاکم بر قرارداد خود برگزینند و بدین ترتیب آن را در محاکم ملی و داوری‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا کنند. اگرچه «اصول قراردادهای تجاری» اشاره‌ای به تجارت الکترونیکی ندارد، ولی این اصول چنان فراگیر است که تفسیر آن می‌تواند قراردادهای الکترونیکی را نیز شامل شود. در آن حدی که این اصول ابهام‌های موجود در تفسیر و اجرای قراردادهای بین‌المللی را از میان برده‌اند، به رشد تجارت الکترونیکی نیز یاری می‌رسانند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۸).

۲-۸-۴. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا تاکنون دستورالعمل‌های متعددی در زمینه تجارت الکترونیکی وضع کرده است. دستورالعمل ۱۹۹۷ که بیانگر خط‌مشی قانون‌گذاری تجارت الکترونیکی است، این امر را تضمین

می‌کند که در بازار داخلی مانعی برای تجارت الکترونیکی وجود نخواهد داشت. این تضمین در دستورالعمل‌های بعدی اتحادیه اروپا نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ از جمله می‌توان به دستورالعمل تجارت الکترونیکی اشاره کرد که می‌خواهد پاسخ‌گوی مهم‌ترین مسائل مرتبط با صلاحیت انعقاد قراردادها و مسئولیت واسطه‌ها باشد، و یا دستورالعمل امضای الکترونیکی که آن را به‌عنوان جایگزین امضای دستی می‌پذیرد. از دیگر اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه وضع قواعد برای تجارت الکترونیکی، دستورالعمل فروش راه دور است که در قراردادهای انعقاد یافته از طریق الکترونیکی، حمایت‌های قابل توجهی را از مشتری به عمل می‌آورد. دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا از کشورهای عضو می‌خواهد قوانین خود را با اتحادیه هماهنگ کنند. با وجود خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، این قواعد هنوز هم در حقوق عرفی کشور جای دارند، چراکه به واسطه سال‌ها عضویت در این اتحادیه، احکام زیادی به واسطه آن‌ها صادر شده و از این رو در نظام حقوق عرفی این کشور دارای اعتبار است (کورپلا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۵۸).

۹-۲. اهلیت سرمایه‌گذاران

حقوق انگلستان شرط سنی برای سرمایه‌گذاران تعیین نکرده است. به صورت عادی هر شخصی می‌تواند به بورس وارد شود، اما نظارت دقیق پلیس این کشور بر فعالیت‌های خرید اوراق بهادار که البته در سایه الکترونیکی شدن آن امکان‌پذیر است، امکان سلب اهلیت افراد را فراهم کرده است.

در سال ۲۰۱۲، پلیس لیورپول، متوجه معاملات مشکوک پسری سه‌ساله شد. با پیگیری‌های الکترونیکی پلیس متوجه شد فردی با استفاده از پاسپورت چهار کودک، سرمایه‌هایی خریداری کرده تا از مالیات فرار کند و قانون متوجه ثروت وی نشود. به حکم دادگاه شاهی، پس از توقیف موقت اوراق بهادار، متهم بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت و در نهایت اعتراف کرد با هدف فرار مالیاتی، اقدام به استفاده از نام چند کودک کرده و فکر نمی‌کرده است که پلیس به این علت وی را تعقیب کند. به حکم رییس دادگاه شاهی، اموال به نام همین فرد منتقل، و پس از کسر مالیات، مجاز به ادامه فعالیت شد (کلارکسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۸).

از این مثال حقوقی، به‌خوبی مشخص می‌شود که عدم تدوین قانون مشخص مرتبط با اهلیت

۱. Korpela

۲. Clarkson

سرمایه‌گذاران، دلیل بر آزادی مطلق در معامله نیست و پلیس معاملات مشکوک را پیگیری می‌کند؛ از این رو هرگونه سوءاستفاده از نام افراد، می‌تواند با برخورد قضایی همراه شود.

در سال ۲۰۱۴ نیز پلیس متوجه گردش مالی چند فرد مسن شده بود. با پیگیری پلیس، پرونده محتمل به پول‌شویی، از دادگاه شاهی مجوز تعقیب گرفت و با بازداشت همان چند فرد مسن، متوجه اجاره‌شدن حساب‌های بانکی آن‌ها شد. افراد مسن از اصل قضیه اطلاعی نداشته و بر اساس سادگی، ضمن سپردن حساب خالی خود به چند نفر، ماهیانه مبلغی دریافت می‌کردند. با پیگیری پلیس، سرخ ماجرا به دست گرفته شد و در نهایت سردسته باند پول‌شویی دستگیر شد (بسمانیه، ۲۰۱۶: ۷۵).

از این مثال حقوقی نیز به‌خوبی مشخص می‌شود جدا از عدم بررسی وضعیت اهلیت، حتی حساب‌های اجاره‌ای با مقاصد نامشروع، می‌تواند توسط پلیس رهگیری شود. نظارت دقیق بر تمامی فعالیت‌های برخط این کشور، مثال‌زدنی بوده و قابل ستایش است. طبیعتاً در صورت سنتی بودن معامله‌های بورسی، ظرفیت پلیس انگلستان اجازه چنین بررسی‌های دقیقی را نمی‌داد.

در مثال حقوقی دیگر فردی که با سوءپیشینه اخلاک‌گری در جامعه وارد بورس شده بود، دارای گردش حساب بالایی بود و مورد شک پلیس لندن قرار گرفت. با بررسی پلیس مشخص شد این فرد در استخدام افراد پول‌شو قرار گرفته و در نهایت با مجوز دادگاه شاهی، متهم ردیف اول بازداشت شد (بسمانیه، ۲۰۱۶: ۷۵).

همان‌طور که بیان شد، از ماهیت داخلی پلیس انگلستان اطلاعاتی در دست نیست، اما چنین برمی‌آید که به افراد دارای سوءپیشینه با دقت بیشتری می‌نگرد. هرچند سابقه پیگرد قضایی، موجب ممنوعیت حضور در بورس نمی‌شود، اما با ریزش‌نظر بر فعالیت‌ها، می‌توان سرخ ماجرای دیگری را یافت.

۳. تطبیق ماهیت معاملات بورس در حقوق ایران و انگلستان

معامله‌های الکترونیک بورس از دیدگاه حقوق انگلستان بررسی شد. پیش‌تر نیز این مورد از دیدگاه حقوق ایران بررسی و نقاط قوت و ضعف هریک از نظام‌های حقوقی بورس، مشخص شد. در اینجا، بر پایه هدف پژوهش باید نسبت به تطبیق ماهیت حقوقی معامله‌های الکترونیکی اوراق بهادار

در دو نظام حقوقی بحث شود.

۱-۳. الکترونیکی شدن معامله‌ها

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سازوکار معامله‌های الکترونیکی اوراق بهادار در بورس است. بررسی منابع حقوقی کشورمان، نشان داد معامله‌های برخاسته از بورس مانند معامله‌های سنتی معتبر است. حقوق داخلی انگلستان در مورد برخاستن فروش اوراق بهادار، منبع مستقلی نداشته و با توجه به عضویت این کشور در چند کنوانسیون مهم، الکترونیکی شدن فرایند معاملات را به رسمیت شناخته است. بررسی کامن‌لای این کشور در مورد محاکمه‌های انجام شده پیرامون تخلفات بورسی و همچنین دعاوی حقوقی مرتبط با معاملات بورس، نشان از اهمیت اصل قانون حاکم بر سازوکار بورس دارد. در واقع این عرف حقوقی حاکم بر فروش اوراق بهادار است که باید رعایت شود. به صرف الکترونیکی شدن این سازوکار، نه ماهیت فعالیت تغییر کرده و نه در رویه بررسی حقوقی آن مؤثر بوده است. این مورد به واسطه عضویت انگلستان در کنوانسیون‌های مرتبط با تجارت الکترونیک و همچنین کامن‌لای این کشور است که ماهیت خود عمل را به واسطه الکترونیکی شدن آن بی‌تغییر دانسته است.

در کشور ما نیز این وضعیت به صورت کامل حکم فرماست، اما مبنای رسمیت الکترونیک در آن، علاوه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده، منابع فقهی و سپس قوانین داخلی است که به صراحت سازوکار تجارت الکترونیکی را از دیدگاه حقوقی تشریح کرده‌اند. در واقع نظام قضایی کشورمان بر مبنای حقوق نوشته و مکتوب، متأثر از منابع فقهی؛ و نظام انگلستان بر مبنای حقوق عرفی و کامن‌لای، الکترونیکی شدن معامله‌ها را به رسمیت شناخته‌اند. بیشتر کنوانسیون‌های تجارت الکترونیک نیز توسط هر دو کشور ایران و انگلستان به رسمیت شناخته شده‌اند و در نهایت اینکه به‌عنوان قانون داخلی کشور معتبر بوده و به موجب آن، در نظام داخلی، الکترونیکی شدن فرایند معامله‌ها به رسمیت شناخته شده است. برخی حقوق دانان معامله‌های اوراق بهادار بورس را با انواع مختلف معامله‌های روزمره متفاوت دانسته و بر همین مبنای، الکترونیکی شدن معامله‌ها را در این مورد صادق نمی‌دانند. در پاسخ به این شبهه، شرایط صحت معامله‌ها و همچنین آزادی در عقد قراردادهای نامعین مشروع بررسی شده است که به موجب آن، تفاوت‌های معامله‌های بورس با معامله‌های عادی موجب خروج این نوع معامله‌ها از عنوان

قرارداد نشده و احکام فقهی و حقوقی بیع بر آن صادق است.

بررسی ماهیت حقوقی الکترونیکی شدن امورات بورس، نکته مشترک مهمی در حقوق ایران و انگلستان است و تقریباً نمی‌توان تفاوتی در این زمینه یافت. هر دو کشور اصل الکترونیکی شدن معامله‌های بورس را به رسمیت شناخته‌اند. ماهیت و اثر حقوقی معامله‌های اوراق بهادار بورس با الکترونیکی شدن آن بی‌تأثیر است. این مسئله با ذکر مثال‌های حقوقی نیز مشاهده شد.

نقطه قوت این مهم، سهولت در امور اجرایی است. با رفع موانع حقوقی الکترونیکی شدن بورس، هرگونه مسئله اجرایی در این زمینه، متأثر از تغییر ابزار عمل قرار گرفته و سهولت در مدیریت را به قوه مجریه هدیه می‌کند. همان‌طور که بیان شد، نظارت دائمی پلیس انگلستان بر فعالیت‌های بورس تنها به واسطه الکترونیکی شدن آن ممکن است. در کشور ما نیز روزانه هزاران و شاید میلیون‌ها معامله بورسی انجام می‌شود که این مهم نیز به واسطه الکترونیکی شدن فرایند است. هر اندازه حجم معامله‌های اوراق بهادار بیشتر شود، بر اقتصاد کشور تأثیر مهمی دارد. در اینجا به نقاط قوت الکترونیکی شدن معاملات بورس اشاره شد. هر دو کشور ایران و انگلستان از مزایای الکترونیکی شدن بورس، بهره برده‌اند و این به واسطه نظام قانون‌گذاری بوده است که بر پایه منطق، الکترونیکی شدن معامله‌ها را به رسمیت شناخته است.

نقطه ضعف الکترونیکی شدن معامله‌ها، امکان نفوذ افراد متخلف است. در قانون اجرایی برخط شدن بورس در کشورمان، راهکار مقابله با این نقطه ضعف پیش‌بینی و به‌صراحت بیان شده است که هرگاه در روند معامله‌های برخط مشکلی پدید آمد، این نوع معامله‌ها تا زمان رفع مشکل به حالت تعلیق درآمده و مسئولان موظف‌اند در اسرع وقت نسبت به رفع مشکل اقدام کنند. انگلستان در این مورد قانون خاصی ندارد، اما در صورت بروز مشکل فنی، به دستور مقامات مافوق، دولت اختیار تعلیق موقت معاملات بورس را دارد. در اینجا باز هم تشابه حقوق بورس دو کشور مشهود است.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت نظام حقوقی کشورمان با انگلستان در مورد الکترونیکی شدن معامله‌های اوراق بهادار بورس، هیچ تفاوتی در قانون‌گذاری نداشته و با دیدگاه یکسان، نسبت به تبیین ماهیت آن اقدام کرده و آثار حقوقی یکسانی نیز خواهد داشت. تنها مبنای استناد حقوقی در دو کشور تفاوت دارد. در ایران، مبنای فقه و حقوق نوشته و در انگلستان مبنای کامن‌لا، تعیین‌کننده این مورد است و هر دو کشور سال‌هاست که از مزایای الکترونیکی شدن بورس بهره لازم را می‌برند.

۲-۳. نظارت بر معامله‌ها

همان‌طور که بیان شد، بر پایه دستور دولت انگلستان، پلیس حق نظارت دائمی بر معامله‌های الکترونیک را دارد. این حق دائمی بر مبنای آن است که دولت فرماندهی کل نیروهای مسلح را عهده‌دار است و نظامیان مانند یک وزارتخانه در دولت حضور دارند. بر مبنای کامن‌لا، قانون‌گذاران این کشور با این دستور مخالفتی نکرده و از این رو به صورت قانون عرفی تعیین شده است. در کشور ما، نیروهای مسلح تحت فرمان رهبر انقلاب هستند و دولت نمی‌تواند در این مورد دستورات لازم را به پلیس صادر کند. بر مبنای حقوق نوشته، دسترسی به کلیه اطلاعات مرتبط، تنها با رضایت مرجع قضایی امکان‌پذیر است. در حال حاضر نیز پلیس بدون مجوز مراجع قضایی، مجاز به بررسی معامله‌های برخلاف اوراق بهادار نیست. تنها خود سازمان بورس، ناظر آنلاین معاملات است که جز با حکم قضایی نمی‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار شخص حقیقی و حقوقی دیگری قرار دهد.

به عقیده اکثریت حقوق‌دانان، حریم شخصی افراد دارای حفاظت است و نظارت دائمی بر آن، نقض حقوق شهروندی به شمار می‌رود. در عین حال در صورت مناسب بودن زیرساخت‌های فنی کشور، در حالت عادی نیازی به نظارت دائمی وجود ندارد. همچنین صرفه‌جویی در وقت و هزینه نیروی انتظامی، با توجه به شرایط کنونی کشور ضرورت دارد و باید بنا به ضرورت به قضیه ورود پیدا کنند. در این مورد می‌توان نقطه قوت را متوجه نظام حقوقی کشورمان دانست. با تشخیص ورود غیرمجاز به سیستم برخط، سازمان بورس به سرعت فعالیت‌های الکترونیکی را معطل می‌کند که مشابه عملکرد پلیس انگلستان است. کشف جرم‌های مرتبط با بورس، در کشور ما بیشتر به صورت موفق انجام شده است. بدین معنا که پس از پیگیری معامله‌های مشکوک، اغلب به دستگیری متخلفانی منتهی شده است که با حذف آن‌ها، آرامش به دنیای معامله‌ها بازگشته است؛ از این رو از امکانات نظارتی، استفاده حداکثری شده است.

پلیس انگلستان در بررسی معامله‌های مشکوک موفقیت اندکی دارد. همان‌طور که در مثال‌های حقوقی اشاره شد، به دست‌نیاوردن مدارک کافی در مورد متهمان، در نهایت به رفع اتهام آن‌ها منتهی شده و این به معنای هدررفت انرژی پلیس است. اگر از دیدگاه مدیریتی و اقتصادی به قضیه نگریسته شود، نظارت بر معاملات آنلاین باید تنها به موارد مشکوک مرتبط باشد. مثلاً بانک مرکزی تراکنش‌های نامعقولی را که مشکوک به پول‌شویی هستند بررسی می‌کند و در صورت لزوم، برای

برخورد با متخلفان، مجوز قضایی دریافت می‌کند. اختیارات بانک مرکزی به مسدودسازی موقتی حساب محدود بوده و در صورت ظن به تراکنش‌های بالا، اختیار مسدودسازی موقت آن را دارد، اما پس از مجوز قضایی و در صورت به‌ثمر رسیدن تحقیقات و همچنین همکاری پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی، هرگونه برخورد با متخلفان امکان‌پذیر است.

در کشور ما نیز برخورد با متخلفان بورس با همین رویه انجام می‌شود و تنها مواردی که بنا به معیارهای سازمان بورس، مشکوک شناخته می‌شوند، با همکاری پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی و همچنین مجوز دادستانی شهرستان، استان یا کل کشور صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد این عمل، وقت و هزینه نظارت را بهینه کرده و از دیدگاه اجرایی معقول است. همچنین حقوق افراد در شخصی بودن اطلاعات حفظ می‌شود و موارد ناموفق عملیات انتظامی به حداقل خواهد رسید، اما با رویه‌ای که پلیس انگلستان در پیش گرفته است، ضمن هدررفت وقت و هزینه و سرمایه پلیس، به حریم خصوصی افراد تجاوز شده و عملیات‌های ناموفق پلیس، افزایش می‌یابد. در بررسی مثال‌های حقوقی، این مطلب ناگفته ماند که پلیس چندین بار در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ از مجلس اعیان این کشور بابت عملیات انتظامی ناموفق، اخطار رسمی گرفت (بل و همکاران، ۲۰۱۸: ۶۲). به عقیده حقوق‌دانان، تا اختیارات پلیس محدود و چهارچوب حقوقی آن مشخص نشود، باید باز هم شاهد عملیات‌های ناموفق آن باشیم.

نتیجه‌نهایی اینکه وضعیت نظارت بر معامله‌های بورس، نقطه قوتی در ایران است - باوجود برخی مشکلات - و در پلیس انگلستان نقطه ضعف محسوب می‌شود و مشکلاتی برای آن متصور است.

۳-۳. رویه فروش سهام

پس از تصویب قانون تقسیم‌بندی بورس در انگلستان، فروش سهام یک شرکت تنها از طریق انتشار اوراق بهادار و در بورس امکان‌پذیر است. در مورد بورس‌های سه‌گانه در انگلستان توضیح داده شد. در صورت توافق بین خریدار و فروشنده در خارج از بورس، خریدار در سالن بورس A منتظر عرضه اولیه سهام است تا آن را به‌سرعت خریداری کند. البته باز هم در این مورد ریسک وجود دارد. در کشور ما امکان فروش سهام شرکت در قالب سهامی خاص و در اداره ثبت شرکت‌ها وجود دارد. واگذاری به صورت اوراق بهادار نیز وجاهت قانونی دارد. تعیین قیمت توسط حسابدار صورت

گرفته و امکان فساد در این مورد بیشتر است. واگذاری‌های غیرقانونی در ایران که سازمان بورس در برخی از آنان نقش داشته است، نشان از ناکارآمدی این رویه مدیریت در ایران دارد و قانون‌گذار تاکنون نتوانسته است روزه‌های فساد را در این مورد ببندد. تلاش‌های قانون‌گذاری نیز موجب یافتن راهکارهای دیگری برای مفسدان شده که از آن با نام اختاپوس^۱ (هشت‌پا) تعبیر شده است. تعیین قیمت‌های غیرواقعی برای شرکت‌ها، معامله‌های پشت‌پرده و انحصار در بورس اوراق بهادار شرکت‌ها، همگی دست‌به‌دست هم داده و مافیای تولید در ایران را به وجود آورده است. در واقع واگذاری سهام شرکت‌ها از طریق اوراق بهادار (الکترونیکی یا سنتی)، امکان فساد را برای برخی مفسدان مهیا ساخته است.

در انگلستان، شرکت‌ها ملزم هستند معامله‌های سهام را در بورس‌های سه‌گانه انجام دهند. ارزش شرکت بر اساس بازدهی واقعی آن تعیین شده و غیر از آن امکان واگذاری وجود ندارد. البته با توجه به کوچک‌بودن دولت در این کشور، واگذاری سهام دولتی کمتر رخ داده است و طمع برای تصاحب این شرکت‌ها به حداقل قیمت، به کمترین میزان رسیده است. همان‌طور که بیان شد، حتی شرکت‌های دولتی موظف‌اند بیشتر سهام خود را با هدف مدیریت خصوصی، حداکثر پنج سال پس از تصاحب، واگذار کنند. این‌چنین است که سودجویان امکان سوءاستفاده از قانون را نداشته و فروش اوراق بهادار سهام شرکت‌های دولتی و غیردولتی با قیمت واقعی انجام می‌شود و در نهایت اختلاف قیمت خریداری شده با مقدار واقعی بسیار اندک است.

ازسوی‌دیگر، شفاف‌سازی اطلاعات معامله‌های شرکت‌ها، جلوی رانت‌خواری‌های مشابه را گرفته است. انگلستان با تصویب قانون مبارزه با گروگان‌گیری تولید، در عمل بزرگ‌ترین منافذ فساد در این مسیر را بسته است. با بررسی مثال‌های حقوقی مرتبط با گروگان‌گیری تولید در انگلستان، جای خالی آن در ایران احساس می‌شود. با توجه به نیاز کشور به رشد تولیدات داخلی به‌ویژه پس از دوران تحریم، همه قوانین در راستای تشویق به تولید بوده است، اما نتوانسته مانع از سوءاستفاده تولیدکنندگان شود. فساد حاکم بر تولید در عمل به دلیل خلأ حقوقی مبارزه با آن، گسترش داشته است و قوانین جزئی مقابله با آن، با دور زدن‌های مختلف همراه بوده است.

وضعیت اقتصادی کشورمان در حال حاضر، به‌شدت نیازمند مدارا با تولیدکنندگان به‌ویژه نوع

کلان آن است و مسئولان اداره کار مجبور به تعدیل در برخی قوانین اجرایی هستند. اقتصاد انگلستان، با توجه به وسعت و حجم و همچنین بنیه مالی دولت، توان ایستادگی در مقابل تولیدکنندگان متخلف را دارد و به همین جهت با تصویب قانون جلوی سوءاستفاده تولیدکنندگان را گرفته است. این مورد در حقوق انگلستان نقطه قوت محسوب می‌شود، اما در حقوق کشور ما ضعف به حساب می‌آید. با توجه به تلاش‌های قانون‌گذاران و دوزدن قانون توسط متخلفان، نیاز به تدوین قانونی جامع در این زمینه احساس می‌شود.

۳-۴. سبدگردانی

انگلستان برای نخستین بار در تاریخ بورس جهان، سبدگردانان را ملزم به شراکت در زیان کرد. به موجب دستور اجرایی دولت که وجاهت قانونی دارد، سبدگردانان باید در سود و زیان شریک باشند. بی‌شک هدف اصلی از وضع این قانون، تلاش بیشتر سبدگردانان برای سود بیشتر و بستن رانت و فساد در رابطه بین سبدگردانان و منتشرکنندگان اوراق است. در کشور ما این قانون در حال حاضر رسمیت ندارد و به موجب قانون بورس، تعیین چنین سقفی برای سبدگردان ممنوع است و دولت نیز نمی‌تواند به موجب قوانین اجرایی، چنین طرحی را اجرایی کند. سبدگردان در سود حاصله شریک است، اما در زیان سهمی ندارد. در توجیه این مسئله، عده‌ای از حقوق‌دانان، سبدگردانان را مشاور اقتصادی می‌دانند. بسته به میزان تجربه یک مشاور، با توصیه‌های آن احتمال موفقیت افزایش می‌یابد و مسئولیت خاصی متوجه عدم موفقیت طرح نیست. از دیدگاه کسب‌وکار که خود زیرمجموعه دیدگاه اقتصادی است، سبدگردان کارآزموده با موفقیت‌هایش به کسب‌وکار خود رونق داده و در صورت شکست‌های پیاپی، به آن زیان می‌زند. در واقع اعتبار یک سبدگردان با موفقیت‌های اقتصادی وی سنجیده می‌شود؛ از این رو مسئولیت سهم‌شدن در زیان به صورت مستقیم به وی مرتبط نیست. هرچند به عقیده حقوق‌دانان غربی، مسئول دانستن سبدگردان در شکست، تلاش وی برای موفقیت را افزون می‌کند، اما این عمل موجب انحصار در سبدگردانی می‌شود؛ به طوری که افراد نوپا کمتر به این صحنه وارد می‌شوند و پس از مدتی با تشکیل مافیای سبدگردانی، از مسئولیت پرداخت غرامت شانه خالی می‌کنند. هم‌اکنون نخستین نشانه‌های این امر در بورس لیورپول لندن مشاهده می‌شود.

اگر از دیدگاه حقوق اسلامی به قضیه نگریسته شود، مسئول‌دانستن سبذگردان در شراکت، شباهت‌هایی با قمار و ربا دارد و مورد انتقاد برخی فقها قرار خواهد گرفت. هرچند به دلیل جدیدبودن موضوع، هنوز اظهارنظر فقهی در این مورد وجود ندارد. با توجه به صحیح‌بودن عقد بیمه، تنها به واسطه این عقد می‌توان زیان‌های ناشی از سرمايه‌گذاري را جبران کرد. هم‌اکنون بیمه سپرده بانکی، نزدیک‌ترین سازوکار حاضر به موضوع مورد بحث است. اگر بتوان با راه‌اندازی چنین سازوکاری، نسبت به حذف ریسک زیان‌دهی سرمايه‌گذاري اقدام کرد، به نظر خالی از ایراد است. به‌رحال هنوز قانونی در این مورد مصوب نشده است و قانون بورس مصوب ۱۳۸۴ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۹، تعریف سبذگردانی را مشخص کرده‌اند. به نظر می‌رسد وضعیت حقوقی حاضر در کشور ما، نقطه قوت محسوب می‌شود و با معیارهای فقهی و شرعی مطابقت دارد، اما وضعی که در انگلستان به صورت قانونی اجرا شده است، با توجه به نبود زیرساخت بیمه‌ای می‌تواند در آینده رانت‌هایی ایجاد کند و در عمل، راهکار فرار قانونی را افزایش دهد؛ از این رو این مورد از نقاط ضعف سیستم حقوقی انگلستان محسوب می‌شود.

۳-۵. سهام ممتاز

مسئله ممتازبودن سهم در امور خارج از بورس مشاهده شده است و ریشه آن به حقوق کامن‌لا بازمی‌گردد. حقوق‌دانان کشور ما بر ممتازبودن بدهکاری اتفاق‌نظر دارند، اما ممتازبودن سهم خریداری‌شده تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است. اقدام دولت انگلستان در تعیین ممتازبودن سهم برخی اوراق بهادار، ریشه در سرمايه‌گذاري‌های کهن دارد و عرف کامن‌لایی محسوب می‌شود. حقوق‌دانان این کشور با توجه به منافع این اقدام برای دولت و اقتصاد، آن را جایز دانسته‌اند و تاکنون مخالفتی با آن نشده است. از دیدگاه فقه اسلامی، ممتازبودن سهم به معنای کاهش خطرپذیری آن است که اساس مشارکت کار و سرمايه را زیر سؤال می‌برد. البته این مسئله تاکنون مورد اظهارنظر قرار نگرفته و با توجه به ادله عمومی مرتبط با ربا، در این مورد بحث شده است، اما در حال حاضر ممتازشدن یک سهم برای عده‌ای خاص، وجاهت قانونی ندارد. عناوین ممتاز که در توزیع اوراق بانکی مشاهده می‌شود، به معنای سود بیشتر به نسبت دیگر حساب‌ها است و محل انتشار اوراق به نسبت اوراق دیگر کاملاً متفاوت است. ماهیت ممتازشدن اوراق بهادار در ایران و انگلستان، تفاوت دارد و در انگلستان، از محل مشترک انتشار سهام، بخشی از آن ممتاز می‌شود. رویه دولت انگلستان،

توزیع ریسک‌پذیری را متأثر کرده است و آن را به سمت سهام غیرممتاز سوق می‌دهد. در کشور ما محل انتشار اوراق، ممتاز است که خود ریسک مستقلی از دیگر اوراق دارد. این مورد نقطه قوت حقوقی در ایران، و نوعی ضعف و تبعیض در انگلستان به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، با نظارت دائمی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش، یافته‌های ذیل به دست آمده‌اند:

۱. با توجه به شبیه‌فقهی و حقوقی که به دلیل ویژگی‌های خاص معامله‌های بورس، آن را از بیع و معامله‌های عادی جدا می‌کند، بررسی‌ها نشان داد معامله‌های بورس، همه شرایط صحت معامله‌ها را رعایت کرده است و بنا به اصل آزادی قراردادها، دارای مشروعیت کامل است و در نتیجه به‌عنوان یک نوع معامله، مشمول قواعد حقوق قراردادها می‌شود؛

۲. در حقوق کشور ما، معامله‌های اوراق بهادار بورس شامل دو معامله (بین مشتری و کارگزار و سپس بین کارگزار و سازمان بورس) است و در حقوق انگلستان، معامله واحدی تلقی می‌شود که قواعد تجزیه‌ناپذیری حق فسخ قراردادها در حقوق دو کشور رعایت شده است؛

۳. به موجب قواعد فقهی که در قانون کشورمان بازتاب یافته است، الکترونیکی شدن معامله به شرط تأثیرنداشتن بر ماهیت و اثر آن، صحیح است؛ از این رو معامله‌های الکترونیکی بورس، دارای همان اعتباری است که معامله‌های سنتی داشته و دارند. الکترونیکی شدن معامله بر تغییر وضعیت حقوقی آن مؤثر نبوده است؛

۴. در بررسی رویه قضایی پرونده‌های مرتبط با بورس در کشور ما، الکترونیکی بودن معامله هرگز نتوانسته است بر ماهیت حقوقی آن مؤثر باشد؛

۵. انگلستان قانون مستقلی در مورد بورس ندارد و صرفاً مصوبات دولتی، عرف کامن‌لایی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، منابع حقوقی بورس این کشور محسوب می‌شوند؛

۶. انگلستان وضعیت الکترونیکی شدن بورس را به رسمیت شناخته است و در عرف کامن‌لایی، هیچ تفاوتی در وضعیت حقوقی بورس الکترونیک با نوع سنتی آن وجود ندارد و در این مورد خاص، با حقوق کشور ما تفاوتی نمی‌کند؛

۷. نظارت بدون محدودیت پلیس انگلستان بر همه فعالیت‌های بورسی، نقطه‌ضعف این کشور

محسوب می‌شود که ضمن صرف انرژی زیاد، بازدهی پایینی داشته و نظارت هدفمند در کشور ما، نقطه قوت محسوب می‌شود؛

۸. نظارت دائمی پلیس انگلستان بر اهلیت مشتریان، هزینه زیادی به سیستم انتظامی این کشور تحمیل کرده است و کشور ما بر مبنای فقه اسلامی، این عمل را در بدو ورود به بورس انجام داده است؛

۹. در رویه فروش سهام و قانون مبارزه با گروگان‌گیری تولید، انگلستان به شکل موفق‌تری راه سوءاستفاده از بورس را بسته است و این مورد در کشور ما ضعیف ارزیابی می‌شود؛

۱۰. سامان‌دهی سیدگردانان و کارگزاران در نظام حقوقی انگلستان، به‌رغم برخی مزایا، بار حقوقی سنگینی را به همراه داشته است، ولی در حقوق کشور ما، قانون‌گذار وضعیت بهتری را مصوب کرده است؛

۱۱. مالیات‌ها در انگلستان بسیار سخت‌گیرانه بوده و با توجه به قطع درآمدهای نفتی کشورمان، نیاز است در زمینه دریافت مالیات، اقدامات جدی مانند دولت انگلستان در نظر گرفته شود؛

۱۲. سهام ممتاز که در حقوق انگلستان برای برخی اوراق بهادار تعیین شده است، مخالف با اصل حقوق افراد در کشورمان است و عدم تخصیص آن در بورس ایران، نوعی نقطه قوت و عدالت به شمار می‌آید.

فهرست منابع

- آهنی، بتول (۱۳۸۳)، «انعقاد قراردادهای الکترونیکی»، *فقه و حقوق خانواده*، شماره ۳۴ (۱).
- آهنی، بتول (۱۳۹۱)، «قواعد حاکم بر قراردادهای الکترونیکی»، *فقه و حقوق خانواده*، شماره ۲۹ (۱).
- آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۹.
- بهفر، ملیحه (۱۳۹۲)، *حقوق رقابت در سازمان تجارت جهانی*، تهران: انتشارات قلم علم، جلد اول، چاپ اول.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده‌های سیاست‌گذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۴.
- خدابخشی، لیلا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقح گرای»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۳.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۱.
- داراب‌پور، مهرباب (۱۳۹۷)، *اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران: گنج دانش، جلد اول، چاپ پنجم.
- دستورالعمل اجرایی سفارش‌های الکترونیکی اوراق بهادار پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مصوب ۱۳۸۳.
- دستورالعمل اجرایی معامله‌های برخط اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مصوب ۱۳۸۹.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۲.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹.
- سیدی، جواد؛ باقری، محمود (۱۳۸۷)، «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس، تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، *مطالعات حقوق خصوصی*، شماره ۳ (۳۸).
- صادقلو، سمیر (۱۳۹۹)، *جزوه درسی حقوق معامله‌گری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور.
- طارمی، داوود و محمد علیپور، فریده (۱۳۹۹). «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد (با تأکید بر خاورمیانه)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، بهار، سال چهارم، شماره ۱۲.
- علیزاده، نجات (۱۳۹۹)، *جزوه درسی حقوق رقابت و حقوق بورس*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هرسین.
- قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری‌شده در سال ۱۳۶۸.
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴.

- قانون تجارت الکترونیک، مصوب ۱۳۸۲.
- قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱.
- قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، مصوب ۱۳۸۲.
- قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۶.
- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.
- قواعد آنستیرال، مصوب ۱۹۶۶.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا، مصوب ۱۹۸۰.
- کنوانسیون نیویورک، مصوب ۱۹۵۸.
- مصطفی‌نژاد، غلام‌عباس (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، جلد اول، چاپ اول.
- مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، نسخه ششم، مصوب ۲۰۰۷.
- ملایی‌نژاد، میلاد؛ پورچنگیز، محمدامین (۱۳۸۰)، *درآمدی بر قواعد حاکم بر معاملات بورس اوراق بهادار در حقوق ایران*، تهران: نشر میزان، جلد اول، چاپ اول.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۵)، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: سمت، جلد اول، چاپ اول.
- یوسفی، عبدالعزیز (۱۳۸۹)، *سؤال کاربردی اعتبارات الکترونیکی*، تهران: قاصدک صبا، جلد اول، چاپ اول.
- Bell, E., Bryman, A., & Harley, B. (2018), *Business research methods*, Oxford university press.
- Brealey, R. A., Myers, S. C., & Marcus, A. J. (2012), *Fundamentals of corporate finance*, McGraw-Hill/Irwin, 17.
- Cho, S., & Kurtz, J. (2018), "Convergence and Divergence in International Economic Law and Politics", *European Journal of International Law*, 29 (1).
- Choi, S. B. (2017), Korean Legal Approach to the Electronic Bill of Lading to Solve the Crisis of the Bill of Lading in Letter of Credit Transactions, *인터넷전자상거래연구*, 17, 2.
- Clarkson, C. M., Clarkson, C. M. V., & Hill, J. (2011), *The conflict of laws*, Oxford University Press, USA.
- Cohen, R. B. (2018), "The new international division of labor, multinational corporations and urban hierarchy", *Urbanization and urban planning in capitalist society*, 7.
- Cranston, R., Avgouleas, E., Van Zwieten, K., & Van Sante, T. (2018), *Principles of banking law*, Oxford University Press.
- Gao, X. (2002), *The fraud rule in the law of letters of credit, a comparative study* (Vol. 2),

- Kluwer Law International BV, 25.
- Kazemi, O., & Mokarrami, A. M. (2016), "A Comparative Study of Law and Duties Inauguration of Letter Credit and banks in Iran and International Law", *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)*, ISSN 2356-5926, 1 (1).
- Koram, K. N. (2018), *The sacrificial international: the war on drugs and the imperial violence of law* (Doctoral dissertation, Birkbeck, University of London).
- Korpela, K., Hallikas, J., & Dahlberg, T. (2017), *Digital supply chain transformation toward blockchain integration*, In proceedings of the 50th Hawaii international conference on system sciences.
- Lester, S., Mercurio, B., & Davies, A. (2018), *World trade law: text, materials and commentary*, Bloomsbury Publishing.
- Mancini, G. F. (2018), *The making of a constitution for Europe. In The new European community*, Routledge.
- Meyer, T., & Park, T. J. (2018), *Renegotiating international investment law. Journal of International Economic Law*, 21 (3).
- Muñoz, E. (2017), *PART II Remedies for Breach of a Buyers Obligation to Open a Letter of Credit in CISG Contracts*.
- Newell, G., & Marzuki, M. J. B. (2018), "The significance and performance of property companies on the AIM stock market", *Journal of European Real Estate Research*, 11 (1).
- Petersmann, E. U. (2019), *Constitutional functions and constitutional problems of international economic law*, Routledge.
- Westbrock, B., Muehlfeld, K., & Weitzel, U. (2019), "Selecting Legal Advisors in M & As: Organizational Learning and the Role of Multiplicity of Mental Models", *Journal of Management*, 45 (5).